

سخنرانی در چهارمین کنگره بین المللی «سازمان های منطقه یی آسیایی/ نهادینه شدن و همکاری» در استانبول

به روزهای 27-28 ماه می سال روان 2009 در هتل بزرگ جواهر شهر استانبول، چهارمین کنگره بین المللی «سازمان های منطقه یی در آسیا/ نهادینه شدن و همکاری» که از سوی «مرکز ترکی- آسیایی مطالعات راهبردی» سازماندهی شده بود، با اشتراک بیش از پنجمصد تن از شخصیت های سیاسی، دیپلمات ها، کارشناسان و پژوهشگران از کشورهای مختلف برگزار گردید.

در آغاز، در مراسم گشایش رسمی کنگره و خوشامدگویی، نخست، میزبان کنگره- آقای سلیمان شون سوی سخنرانی نمود. به دنبال وی، پروفیسور داکتر اکمال الدین احسان اوغلو- دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی به سخنرانی پرداخت. سپس آقای فولاد نورعلی یف- دبیرکل سازمان شانگهای رشته سخن را در دست گرفت. آنگاه آقای دولت باقی یف- رییس اجرایی سازمان سیکا (کنفرانس تعامل و تدبیرهای باور سازی در آسیا) به ایراد بیانیه پرداخت. سخنران بعدی کنگره آقای داکتر آهانی- معاون وزیر امور خارجه ایران بود. دو سخنران دیگر این مراسم به ترتیب آقایان داکتر هاکان فیدان- معاون نخست وزیر جمهوری ترکیه و محمد عبدالله الرومیایی- معاون وزارت خارجه قطر بودند.

نخستین جلسه کنگره زیر عنوان «توازن نو: «جیوپولیتیک و نهادینه شدن در آسیا» به گردانندگی آقای مراد بلهان- استاد دانشگاه فرهنگ استانبول بود که در آن سخنرانان زیر مقالات و مطالبی ارائه نمودند:

- 1- آقای فولاد نور علی یف- دبیر کل سازمان همکاری های شانگهای (سازمان شانگهای و امنیت در آسیا)
- 2- داکتر آهانی- معاون وزیر امور خارجه ایران (ایران و همکاری ها و همگرایی ها در آسیا)
- 3- پروفیسور داکتر سرگی لویزیانین- از فرهنگستان علوم روسیه (روندهای همگرایی در آسیا، حوزه اقیانوس آرام و آسیای میانه)
- 4- آقای دولت باقی یف- رییس اجرایی سازمان سیکا (تحول سیکا)

5- پروفیسور نادر دولت- دانشگاه استانبول (وضعیت ترکیه در مناسبات با سازمان های آسیایی)

دومین جلسه کنگره زیر نام «سازمان های همکاری منطقه یی» به گرانندگی آقای عمر اورهون- مشاور دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی به راه افتاد که در آن سخنرانان زیر با مقالات و مطالبی برآمد نمودند:

1- شیخ محمد منیر الاسلام- دبیر کل انستیتوت بین المللی پژوهش های استراتیژیک بنگله دیش (سازمان سارک- رویکرد تروریزم زدایی در جنوب آسیا)

2- داکتر انیتا سن گوپتا- استاد انستیتوت مطالعات آسیایی مولانا ابوالکلام آزاد هند (بازآرایی سازمان های آسیایی در اروآسیا)

3- داکتر اندرین راج- مدیر مرکز مطالعات استراتیژیک حوزه آسیا- اقیانوس آرام مالیزیا (تهدیدات کنونی در آسیای جنوبی: تروریزم و همکاری های منطقه یی)

4- فاروق عبدالله عبدالرحمان- مشاور نخست وزیر جمهوری عراق (مناسبات عراق و ترکیه و تحولات تازه در عراق)

سومین جلسه کنگره زیر عنوان «سازمان های اقتصادی منطقه یی» به گردانندگی پروفیسور داکتر فیورال آلتین- کارشناس ارشد مرکز مطالعات استراتیژیک ترکیه- تاسام به راه افتاد که در آن شخصیت های زیر به ایراد سخنرانی و ارایه مقالات و مطالب پرداختند:

1- آقای مصطفی دیمیریزین- معاون دبیر کل اکو (نقش سازمان اکو در گسترش همکاری های اقتصادی و توسعه در منطقه)

2- آقای دیپو آلام- دبیر کل سازمان دی- 8 (دی- 8 در آینده)

3- سیرینی وازا مدهور- از بانک توسعه آسیایی (بحران جهانگیر اقتصادی، آسیا و بانک توسعه آسیایی)

4- آقای عمر فاروق بایکال- معاون ریاست بانک بازرگانی و توسعه اکو (بانک بازرگانی و توسعه اکو و پی ریزی توسعه پایدار)

5- داکتر محمد غزالی نور- از بانک توسعه اسلامی (همکاری ترکیه با جهان اسلام: ائتلاف نو)

چهارمین جلسه کنگره زیر نام «نهادهای ویژه منطقه یی و همگرایی» به گردانندگی داکتر انجین سیلچوک- استاد دانشگاه استانبول بود که در آن شخصیت های زیر مقالات و مطالب شان را پیشکش نمودند:

1- لیونیداس کریستیانتوپولوس- دبیر کل سازمان همکاری های اقتصادی دریای سیاه (همکاری میان کشورهای عضو سازمان)

2- آقای سرگی تروباروف- از جامعه اقتصادی اروآسیایی (نقش جامعه اقتصادی اروآسیایی در همگرایی های اقتصادی)

- 3- داکتر حسن علی قره سر- استاد دانشگاه بیلکینت ترکیه (چرا روندهای همگرایی در آسیا با شکست روبه رو شده است؟)
- 4- آقای زیدان الانی- مدیر دفتر مناسبات اقتصادی جامعه عرب (جامعه عرب و آسیای میانه)

پنجمین جلسه کنگره زیر نام «**نهادهای ویژه و همگرایی ها**» به گردانندگی داکتر علی انگین اوبا- استاد دانشگاه اتیلیم ترکیه برگزار گردید که در آن ذوات زیر سخنرانی نمودند:

- 1- آقای مراد زونگور- دبیرکل کانفدراسیون نهادهای متحده دریای سیاه و دریای کسپین (پویایی های کانفدراسیون)
- 2- آقای عزیز محمودف از ازبیکستان- استاد دانشگاه آسیا- اقیانوس آرام جاپان (نقش سازمان های منطقه یی و بین المللی در همکاری های منطقه یی و امنیت در آسیای میانه سر از سال های دهه نود سده بیستم)
- 3- عزیز آریانفر- مدیر دفتر مطالعات منطقه یی و استراتژیک «کانون پژوهش ها و مطالعات افغانستان» در لندن- فرانکفورت (افغانستان و سازمان های منطقه یی: بررسی موردی- سازمان های سیکا و شانگهای)

ششمین و آخرین جلسه کنگره زیر نام «**دیدگاه های هیات های دیپلماتیک مقیم ترکیه در پیوند با همکاری ها و همگرایی های منطقه یی در آسیا**» به گردانندگی داکتر مراد بلهان- استاد دانشگاه فرهنگ استانبول به راه افتاد که در آن شخصیت های زیر به سخنرانی پرداختند:

- 1- آقای رامیندر سنیگ- سفیر کبیر جمهوری هند در ترکیه
- 2- آقای اوچیر اوچیرجاف- سفیر کبیر جمهوری مغولستان در ترکیه
- 3- آقای دونگ اوهینها لوپ - سفیر کبیر جمهور ویتنام در ترکیه
- 4- آقای مسعود خلیلی- سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در ترکیه
- 5- آقای ولادیمیر ایوانفسکی- سفیر کبیر فدراسیون روسیه در ترکیه

هفتمین و آخرین نشست کنگره به پرسش ها و پاسخ ها و تبصره ها اختصاص یافته بود که آن را نیز آقای استاد داکتر مراد بلهان گردانندگی می نمودند. در این جلسه، پنج تن از اشتراک کنندگان کنگره از جمله این جانب در ترکیب یک پانل به پرسش های حاضران (به ویژه دانشجویان دانشگاه ها و کارشناسان جوان مسایل سیاسی ترکیه) پاسخ گفتند.

... و در پایان متن سخنرانی این جانب در کنگره:

سخنرانی در چهارمین کنگره بین المللی ترکیه- آسیا : «سازمان های منطقه یی در آسیا/ نهادینه شدن و همکاری»

در مرکز ترکی- آسیایی مطالعات استراتژیک در استانبول

27-28 می 2009

جناب رییس!

خانم ها و آقایان گرامی!

جای بسی خشنودی و خرسندی است که در چهارمین کنگره بین المللی ترکیه- آسیا «سازمان های منطقه یی در آسیا/ نهادینه شدن و همکاری» که از سوی مرکز ترکی- آسیایی مطالعات استراتژیک در استانبول برگزار شده است، شرکت می نمایم.

با بهره گیری از فرصت، می خواهم از برگزار کنندگان کنگره به ویژه مرکز ترکی- آسیایی مطالعات استراتژیک به خاطر سازماندهی عالی کنگره و مهمانی نوازی گرم سنتی ترکی سپاسگزاری نمایم.

باور دارم برگزاری این گونه همایش ها نقش بس ارزنده یی برای هماهنگی بیشتر میان مردم و کشورهای ما در منطقه اروآسیا و جهان اسلام دارد.

برگزاری کنگره در ترکیه، در شهر زیبای استانبول بسیار به جا و به مورد است. زیرا ترکیه و به ویژه استانبول گرهگاه تمدن های خاور و باختر و پلی است بر دو سوی دو قاره کهن و می تواند نقش ارزنده یی را در روند گفتگوی تمدن ها بازی نماید.

بایسته یادآوری می دانم که بسیار مهم است در اوضاع جهانی شدن، باید توجه ویژه یی نه تنها به پارادایم همگرایی (در همه ابعاد آن اعم از اقتصادی فرهنگی و مانند آن...) بل

نیز به به چالش هایی که نه تنها کشورها و منطقه ما بل نیز همه جهان را تهدید می نمایند، مانند تولید و قاچاق مواد مخدر، تروریسم بین المللی، تندروی مذهبی و جدایی خواهی جلب نمایم.

جناب رییس!

فروپاشی شوروی پیشین زمینه برای همگرایی های منطقه یی بیشتری فراهم گردید و چندین سازمان و فوروم منطقه یی مانند اکو، سیکا و مانند آن به میان آمد که افغانستان عضو شماری از آن ها است. در این جا ما تنها به بررسی مناسبات افغانستان با دو سازمان بسیار مهم سیکا و شانگهای می پردازیم.

سیکا فورومی است متوجه به تحکیم همکاری تامین صلح امنیت و ثبات در آسیا و در یک سخن همگرایی پان آسیایستی. افغانستان یکی از اعضای سیکا است که از آوان تاسیس آن عضو فعال این فوروم بوده و در همه همایش ها، کنفرانس ها و سیمینارهای آن اشتراک فعال داشته است.

نور سلطان نظربایف- رییس جمهور قزاقستان در 25 اگوست 2008 در همایش وزیران خارجه کشورهای عضو سیکا در آلماتی پیشنهادی نمود مبنی بر واگذاری ریاست سیکا سر از سال 2010 به دوش ترکیه. من از این پیشنهاد استقبال می نمایم. زیرا ترکیه به راستی سزاوار است و از انگشت شمار کشورهای است که پیوسته در راه گسترش سیکا تلاش های خستگی ناپذیر ورزیده است.

با سپاسگزاری از زحمات جمهوری قزاقستان به ویژه رییس جمهور آن که پیوسته توجه فراوانی به توسعه سیکا مبذول داشته است، **امیدوار هستیم در دوره ریاست دوره یی جمهوری ترکیه، سیکا بتواند به پیروزی های عملی چشمگیری دست یابد.**

آن چه مر بوط می گردد به شانگهای، افغانستان با ایجاد این سازمان پیوند مستقیمی می گیرد. **پنجگانه شانگهای به سال 1996 چونان واکنش طبیعی شماری از کشورهای آسیای میانه در برابر خطر جدی مبدل شدن منطقه به گستره بی ثباتی مستمر به خاطر پویا شدن شدید تروریسم بین المللی، تندروی مذهبی، افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر و جدایی طلبی تباری به میان آمد که امنیت هر پنج کشور را تهدید می کرد.**

ایجاد سازمان همکاری شانگهای را (که افغانستان کنون در آن به عنوان عضو مهمان حضور دارد)، بی گزافه می توان به شمار رخدادهای **کلیدی** بین المللی آغاز سده 21 نه تنها در ابعاد منطقه یی بل دارای مقیاس جهانشمول پیوند زد.

شانگهای دو سوم اروآسیا و نیمی از خشکی جهان را در بر می گیرد. شانگهای بزرگ ترین سازمان منطقه یی جهانی است- هم از نظر نفوس و هم از نگاه گستره. چین و روسیه هر دو قدرت اتمی و اعضای دایمی شورای امنیت سازمان ملل اند. روسیه پهناورترین کشور جهان و چین پرنفوس ترین کشور جهان است. هرگونه نزدیکی میان آن ها- حال چه رسد به هماهنگی در چهارچوب یک ساختار واحد، خود به خود دارای اهمیت بسیار است.

گستره بزرگ و نفوس بسیار، انرژی فراوان، گنجینه های بزرگ نفت، گاز، چوب، زغالسنگ، یورانیوم، زمین، آب، برق و امکانات بزرگ ترانسپورتی نشانگرهای اساسی سازمان شانگهای اند.

نقش شانگهای چونان سازمان نیرومند منطقه یی در چنین عرصه هایی چون استخراج و تقسیم منابع انرژی، ایجاد راه های بزرگ ترانسپورتی، اتصالات و مخابرات، تحکیم همکاری های منطقه یی اقتصادی، زمینه سازی برای بازرگانی و سرمایه گذاری به ویژه متبازر است.

افغانستان از دیدگاه جغرافیایی در میان کشورهای غنی از دیدگاه منابع انرژی و کشورهای نیازمند به انرژی واقع است. این فاکتور به افغانستان امکان خوبی می دهد تا به پلّی مبدل گردد میان کشورهای منطقه.

افغانستان کشوری است که همزمان هم بخشی از آسیای جنوبی و هم بخشی از آسیای میانه به شمار می رود و توسعه همکاری های اقتصادی منطقه یی و به خصوص توسعه همکاری ها با سازمان شانگهای برای رفتن به پیش در عرصه شگوفایی اقتصادی و بالا رفتن رفاه مردم منطقه مهم است. به این دلیل، افغانستان باید روابط خویش را با سازمان شانگهای مخصوصا روابط دو جانبه با کشورهای عضو سازمان شانگهای را گسترش ببخشد. این کار با منافع ملی ما هماهنگی دارد. افغانستان باید تلاش ورزد تا همکاری های آن با سازمان شانگهای در امر مبارزه منظم و سیستماتیک با تروریسم، تند رویی و قاچاق مواد مخدر توسعه پیدا نماید.

باید این نکته را فراموش نکرد که افغانستان به عنوان یک کشور نیازمند به انرژی، از دیدگاه انرژی چه نفت و گاز و چه برق و نیز از دیدگاه مواد غذایی به ویژه گندم به همسایگان شمالی خود وابستگی روز افزون استراتژیک دارد که با افزایش نفوس در کشور و گرم شدن سیاره و نیز با توجه به نیازمندی روز افزون غرب و هند و چین به نفت کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران و بالا رفتن مصرف انرژی در خود این کشورها، **این وابستگی بیشتر می شود.**

به رغم این که از دیدگاه جغرافیایی شانگهای می تواند افغانستان را در جمع خود به عنوان عضو کامله الحقوق بپذیرد، احتمال پیوستن آن به سازمان، دست کم مادامی که نیروهای ائتلاف بین المللی در آن حضور داشته باشند و درست مانند پاکستان مادامی که تندروی اسلامی و قاچاق مواد مخدر در آن جا داشته باشد، بسیار کم است. **از دیدگاه تیوریک زمینه پیوستن افغانستان و پاکستان به شانگهای تنها در صورت شکست کامل استراتژی امریکا در منطقه تحقق پذیر است. از همین جاست که افغانستان برای امریکا اهمیت کلیدی پیدا می نماید.**

کنون شانگهای در برنامه ندارد اعضای تازه بپذیرد. مگر، پیوستن مغولستان و شاید هم در مرحله بعدی ترکمنستان (هرگاه در قانون اساسی آن کشور ویرایش های بایسته به میان آید) و سپس هم ایران (در صورت حل مشکلات آن کشور با امریکا در گام نخست در رابطه با معضله هسته یی آن کشور) بیشتر عملی به نظر می رسد. در مورد هند مساله ساده تر از ایران است. مگر، شانگهای شاید حاضر به پذیرفتن تنهایی هند نباشد و بخواهد همزمان هر دو کشور هند و پاکستان را در خانواده خود بپذیرد

در عین زمان افغانستان باید به دقت آگاهانه تناقضات و تنش های درونی سازمان شانگهای را زیر نظر داشته باشد.

چین می پندارد که اولویت های شانگهای در میان پویایی های ضد تروریستی و همگرایی اقتصادی، بایست به پیمانانه برابری تقسیم شود و در آینده استراتژی اقتصادی می تواند جایگاه عمده را بگیرد. روسیه بر عکس، بر حفظ پویایی های سنتی سازمان در زمینه مبارزه با تروریسم، تندرویی و جدایی طلبی پافشاری دارد. مسکو همگرایی اقتصادی را در گستره شانگهای مقصد بلند مدت سازمان می پندارد و بر آن است که کنون می توان تنها از طرح های همگرایانه اقتصادی منطقه یی جداگانه میان دو یا سه کشور با اقتصادهای همتراز سخن بر زبان آورد. بر عکس، بیجنگ بر ایجاد گستره واحد انتیگراسیونی در چهارچوب سازمان شانگهای در آینده نزدیک سخن می گوید.

اختلافات هند (که متحد استراتژییک سنتی روسیه به شما می رود) با چین نیز مضاعف بر همه این ها می گردد.

در آغاز سال های دهه 2000 هنگامی که روسیه و چین برای گستره نفوذ در آسیای میانه رقابت داشتند، حضور نظامی امریکا در منطقه آنان را واداشت تا به همکاری رو آورند. مگر این همکاری، دشواری هایی فراوانی دارد که پیوند دارد با دشواری های عینی روابط روسیه و چین. مادامی که هدف مشترک - راندن امریکا از منطقه هست، دو کشور ناگزیر اند به هم نزدیک باشند. تا این زمان، سامان این بازی نیز کار می کند- شانگهای- مگر وقتی امریکا رفت، چه پیش خواهد آمد؟ آن گاه چین نیرومند از نگاه اقتصادی می ماند و روسیه سرشار از ذخایر انرژی و کل منطقه.

خانم ها و آقایان!

سال گذشته در کنفرانس ایسیک کل در قرغیزستان طرح همکاری های شانگهای - ناتو به عنوان یک طرح جامع برای برون رفت افغانستان از گرداب فاجعه کنونی بررسی گردید. جا دارد به این طرح هم نگاهی بیفکنیم. فلسفه اساسی آن در فراز های زیر خلاصه می گردد:

شانگهای می تواند امریکا را با این چالش رو به رو سازد که امر «مبارزه با تروریسم» و مبارزه با مواد مخدر در منطقه را که توان انجام آن را به تنهایی ندارد، با این سازمان تقسیم کند! که پذیرفتن آن در واقع به معنای شکست استراتژیی امریکا در منطقه خواهد بود. ظاهرا امریکا راهی دیگری جز تن دادن به این امر ندارد. چون با دردهایی فراوانی هم در عراق، هم در افغانستان، هم در ایران و حتا هم در رابطه با پاکستان دست به گریبان است. حال چه رسد به امریکای جنوبی و منازعه اعراب و اسرائیل!

روشن است ایالات متحده شاید تا آخرین نفس تلاش ورزد، انحصار «مبارزه با تروریسم بین المللی» را در این کشور و منطقه به دست داشته باشد. مگر ناگزیر روزی فرا خواهد رسید که ناچار خواهد گردید یا یکسره این کشور را ترک گوید و رشته کار را به دست شانگهای بسپارد، یا به تقسیم این مبارزه به شکل مشترک با سازمان شانگهای تن در دهد.

راهکار همکاری میان سازمان های شانگهای و ناتو به جای رویارویی در افغانستان می تواند نقطه عطفی در همکاری های بین المللی به شمار برود.

از این رو، در صورت تحقق این طرح شاید شاهد پدیده شگفتی برانگیز و فرمول کاملا تازه یی در پهنه سیاست جهانی باشیم-

همکاری استراتژیک ناتو و شانگهای در افغانستان! و این به معنای حضور همزمان نیروهای هر دو سازمان بزرگ جهانی در این کشور خواهد بود.

شاید هم این تنها راه برونرفت از بحران افغانستان باشد. از این رو، بایسته است پیرامون همه جوانب آن تحقیقات گسترده انجام شود و نشست هایی برگزار گردد.

در پایان، برای برگزاری موفقیت آمیز کنگره، آرزوی موفقیت می نمایم و امیدوارم مرکز ترکی- آسیایی مطالعات استراتژیک بتواند در تحقق آرمان هایش پیروز و کامگار باشد.